

یووال نوح هراری

۱ فروردین ۱۳۹۹ چاپ شده در مجله فاینانشیال تایمز

ترجمه فراز عطار

جهان، پس از کروناویروس

این طوفان خواهد گذشت. اما تصمیم های حال حاضر ما می تواند مسیر زندگیمان در سال های پیش رو را تغییر دهد.



عکس ضمیمه شده عینا از سایت فاینانشیال تایمز اضافه شده است. این عکس توسط وب کم مشرف بر خیابان های برهوت شده ی ایتالیا، توسط گرازیانو پانفیلی (Graziano Panfili) که در قرنطینه به سر می برد، گرفته شده است.

گونه انسان در حال حاضر با یک بحران جهانی مواجه است. شاید بزرگترین بحران گونه ما. تصمیماتی که مردم و دولت ها در چند هفته آینده می گیرند احتمالا جهان سال های پیش رو را شکل خواهد داد. این تصمیمات نه تنها سیستم سلامت ، بلکه اقتصاد، سیاست و فرهنگ مارا نیز، شکل خواهند داد. ما باید به سرعت ، و قاطع عمل کنیم و همچنین باید پیامد های بلند مدت عمل خود را در نظر بگیریم. وقتی در حال انتخاب از بین گزینه های موجود هستیم نه تنها باید این سوال را از خود بپرسیم که چگونه بر این تهدید آنی فائق آییم، بلکه همچنین به این پرسش پاسخ دهیم که بعد از عبور از این طوفان در چه نوع جهانی زیست خواهیم کرد. بله، طوفان خواهد گذشت، گونهی انسان نجات خواهد یافت و اکثر ما زنده خواهیم ماند؛ اما در دنیایی متفاوت منزل خواهیم کرد.

بسیاری از اقدامات اضطراری کوتاه مدت تبدیل به بخش های جدایی ناپذیری از زندگی می شوند. این در طبیعت یک امر ضروری است. این ها فرایندهای تاریخی را تسریع می کنند. تصمیماتی که در حالت عادی به سال ها غور و بررسی نیاز دارند در حد چند ساعت مورد پذیرش واقع می شوند. تکنیک های نارس و حتی خطرناک در عرصه عمل بکار گرفته می شوند چرا که خطر هیچ کاری انجام ندادن بیش تر است. در مقیاس کلان آزمایش های اجتماعی ، کشورها ، در حکم موش های آزمایشگاهی هستند. چه اتفاقی می افتد هنگامی که همه از خانه کار کنند و تنها از دور با هم در ارتباط باشند؟ چه اتفاقی می افتد وقتی تمامی مدارس و دانشگاه ها به صورت مجازی برگزار بشوند؟ در حالت های عادی دولت ها، مشاغل و نظام آموزشی به هیچ وجه با اجرای طرح های آزمایشی این چنینی موافقت نخواهند کرد. لیکن شرایط حال حاضر شرایط عادی نیست.

در شرایط بحرانی حال حاضر، ما با دو تصمیم روبرو هستیم که هر کدام منحصر و به نوبه خود بسیار مهم هستند. اولین گزینه، انتخاب بین نظارت توتالیتار (فخفشم) و ، توانمندسازی شهروندی (Citizen Empowerment) است. دومین گزینه، انتخاب بین انزوای ملی (Nationalist isolation) و یکپارچگی جهانی (global solidarity) است.

نظارت زیرپوستی

به منظور پایان دادن به اپیدمی، ضروری است تمام جمعیت از یک راهنمای واحد پیروی کنند. دو راه اصلی برای رسیدن به این هدف وجود دارد. یک روش مختص به دولت است که به نظارت مردم بپردازد و آنهایی را که قوانین را زیر پا می گذارند تنبیه کند. امروز برای اولین بار در تاریخ بشر تکنولوژی امکان نظارت بر همه کس در همه حال را بوجود آورده است. ۵۰ سال پیش ک.گ.ب قادر به تعقیب ۲۴۰ میلیون شهروند اتحاد جماهیر شوروی در ۲۴ ساعت شبانه روز نبود و همچنین ک.گ.ب نمی توانست به این امید باشد که تمام اطلاعات جمع آوری شده را به

صورت موثر پردازش کند. ک.گ.ب متکی به مأموران و تحلیل گران انسانی خود بود و امکان گماردان یک مأمور برای یک از شهروند را نداشت. اما در حال حاضر دولت ها می توانند به جای استفاده از جاسوس هایی از گوشت و خون به گیرنده های (Sensors) در همه جا حاضر، و الگوریتم های قدرتمند اتکا کنند.

در جنگ علیه اپیدمی کروناویروس، در حال حاضر هم، بسیاری از دولت ها از این وسایل نظارتی جدید، بهره می گیرند. بارزترین نمونه چین است. قدرت حاکم چین نه تنها از طریق نظارت دقیق تلفن های هوشمند افراد، و نیز با بهره گیری از صدها میلیون دوربین تشخیص چهره و وادار کردن مردم به بررسی و گزارش دمای بدن و وضعیت پزشکیشان، به سرعت می تواند ناقلین مشکوک به کرونا ویروس را تشخیص دهد، بلکه می تواند رفت و آمد و تماس های افراد را نیز، ردیابی کند. گستره ای از اپلیکیشن های موبایل طراحی شده است تا شهروندان را از نزدیک شدن به بیماران مبتلا آگاه سازند. این نوع تکنولوژی محدود به شرق آسیا نیست. نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیا هو به آژانس امنیت اسرائیل این اجازه را تفویض کرد که تکنولوژی نظارتی که در حالت عادی برای جنگ با تروریست هادر نظر گرفته شده بود را، به منظور ردیابی بیماران مبتلا به ویروس کرونا بکار برد. هنگامی که کمیته های ذیربط مجلس تفویض این اختیارات را رد کردند، نتانیا هو از "اختیارات قانونی در مواقع اضطراری" (Emergency decree) برای رسیدن به مقصود خود استفاده کرد.

ممکن است ادعا کنید این چیز جدیدی نیست. در سال های اخیر، هم دولت ها و هم شرکت ها، تکنولوژی های حتی پیشرفته تری را برای ردیابی، نظارت و دستکاری افکار عمومی (Manipulate People) مورد استفاده قرار دادند. به این اوصاف، همچنان اگر هشیار نباشیم، این اپیدمی ممکن است به نقطه عطفی در تاریخ نظارت بدل شود. نه تنها به دلیل عادی سازی بکارگیری ادوات نظارت جمعی در کشورهایی که تا امروز مانع از پذیرش آن بودند بلکه، حتی بیشتر، به این دلیل که نقطه عطف یک گذار دراماتیک "از نظارت رو پوستی" به سوی نظارت "زیر پوستی" را مشخص می سازد.

پیش از این، هنگامی که انگشتتان صفحه موبایل هوشمندتان را لمس می کرد تا بر روی یک لینک کلیک کند آنچه که دولت می خواست بداند آن بود که دقیقاً انگشت شما بر روی چه چیزی کلیک کرده است اما با ویروس کرونا این خواست و تمرکز تغییر مسیر داده، در حال حاضر دولت بدنبال داشتن دمای انگشت شما و فشار خون در زیر پوست شماست.

پودینگ اضطراری

"The Emergency Pudding"

هنگامی که بر موضوع نظارت، دست می‌گذاریم، یکی از مشکلاتی که با آن روبرو هستیم این است که هیچکدام از ما دقیقاً نمی‌دانیم چگونه مورد نظارت قرار می‌گیریم و سالهایی پیش رو ممکن است با خود، چه چیزی برایمان به ارمغان بیاورد؟ تکنولوژی‌های نظارتی با سرعتی باور نکردنی در حال پیشرفت هستند و آنچه تا ده سال پیش علمی-تخیلی به نظر می‌رسید امروزه اخباری تاریخ گذشته بحساب می‌آیند. به عنوان یک آزمایش فکری (thought experiment)، دولتی فرضی را در نظر بگیرید که از تمامی شهروندان خواسته است که یک بازوبند بیومتریک (زیست‌سنجی) برای نظارت بر دمای بدن و ضربان قلب را ۲۴ ساعته به بازو ببندند، نتایج به دست آمده بوسیله الگوریتم‌های دولتی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود، این الگوریتم‌ها پیش از آنکه خودتان بدانید خواهند دانست که شما بیمار هستید و هم چنین می‌دانند که شما کجا ها بوده اید و با چه کسانی ملاقات کرده اید. زنجیره‌های سرایت می‌تواند به شکل مؤثرتری کوتاه شود و حتی از هم بگسلند. یک همچین نظامی می‌تواند طی چند روز به شکلی باور نکردنی جلو آیدمی را بگیرد. بنظر عالی می‌رسد، نه؟

امام‌متمناً وجه بد قضیه (down side) اینست که این نظام به یک سیستم نظارتی جدید وحشتناک، حقانیت می‌بخشد. برای مثال اگر شما بدانید که من بر لینک فاکس نیوز کلیک می‌کنم و نه سی.ان.ان. این می‌تواند به شما در مورد نقطه نظر سیاسی من و شاید حتی شخصیت من چیزی را برساند اما اگر شما بتوانید تغییرات دمای بدن، فشار خون و ضربان قلب من را هنگامی که کلیپ ویدیویی را تماشا میکنم نظارت کنید می‌توانید بفهمید که چه چیزی من را می‌خنداند، من را به گریه می‌اندازد و چه چیزی من را بشدت عصبانی میکند.

ضروری است که به یاد داشته باشیم که خشم، لذت، بی‌حوصلگی و عشق، پدیده‌های زیستی هستند درست مانند تب و سرفه. همان تکنولوژی که سرفه را تشخیص می‌دهد می‌تواند خنده را نیز تشخیص دهد. اگر شرکت‌ها و دولت‌ها شروع به درو اطلاعات زیستی ما در مقیاسی کلان بکنند، آنها می‌توانند ما را حتی بهتر از خودمان بشناسند، و قادر خواهند بود از این پس نه تنها احساس‌های ما را پیش‌بینی کنند بلکه آنها را دستکاری کنند و به ما هر چیزی که می‌خواهند حقه کنند، چه بصورت کالا باشد چه سیاست حزبی خاص. نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) (Biometric monitoring) تکنیک‌های دیتا هکینگ کمبریج آنالیتیکا را به نظر، چیزی از مد افتاده و عصر حجری جلوه می‌دهد. کره شمالی را در سال ۲۰۳۰ تصور کنید که تمام شهروندان مجبورند دستبندهای بیومتریک را ۲۴ ساعته به دست داشته باشند. اگر در حال گوش فرا دادن به سخنرانی "قائد اعظم" باشید و دست‌بندان علائم خشم را در شما گزارش کند، شما از دست رفته اید.

البته شما می‌توانید خود را مجاب کنید که نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) یک روش موقتی است که هنگام وضعیت اورژانسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنگامی که وضعیت اضطراری پایان یافت این روش هم، کنار

گذاشته خواهد شد. اما اقدام های موقتی، خصلت بدی دارند و آن این که وضعیت های اضطرار را تداوم می بخشند، مخصوصاً به این دلیل که وضعیت های اضطراری جدید همواره در افق در کمین هستند. برای نمونه کشور مادری من اسرائیل، طی جنگ های استقلال ۱۹۴۸ وضعیت اضطراری اعلام کرد که بر گستره ای از اقدامات از سانسور مطبوعات و غصب سرزمین گرفته تا قواعد خاصی برای تهیه پودینگ و جبهه قانونی نهاد. جنگ استقلال مدت مدیدی است که پیروز شده است اما اسرائیل هرگز وضعیت اضطراری را پایان نداد و در ملغی ساختن بسیاری از اقدامات موقتی که از سال ۱۹۴۸ اتخاذ شدند ناکام مانده است. (قانون پودینگ اضطراری به شکل خاضعانه ای در سال ۲۰۱۱ منسوخ شد.) (Emergency Pudding)

حتی زمانی که نرخ شیوع کرونا ویروس به صفر کاهش پیدا کند بعضی از دولت های حریص اطلاعات، این ادعا را مطرح خواهند کرد که نیاز است سیستم نظارت بیومتریک (زیست سنجی) بر جای خود باقی بماند. به این دلیل که آنها از موج دوم کرونا ویروس در هراس هستند یا به این دلیل که یک سویه جدیدی از ابولا در آفریقای مرکزی در حال تکامل است و یا ... خودتان حدس بزنید. در سال های اخیر، جنگی بزرگ بر سر حریم شخصی در حال درگرفتن است. بحران کرونا ویروس می تواند نوک تیز پیکان جنگ باشد. چرا که در انتخاب بین حریم شخصی و سلامت؛ مردم غالباً سلامت را انتخاب خواهند کرد.

پلیس صابون (Soap Police)

در حقیقت این که از مردم بخواهید میان حریم شخصی و سلامت یکی را انتخاب کنند، ریشه مشکل است، این انتخابی دروغین است. ما می توانیم و باید از هر دوی حریم شخصی و سلامت بهره ببریم. ما می توانیم حفاظت از سلامتمان را انتخاب کنیم و در نتیجه اپیدمی کرونا ویروس را پایان بدهیم نه به وسیله ایجاد یک رژیم نظارتی توتالیتر بلکه به وسیله توانمند سازی شهروندان. در چند هفته اخیر بعضی از موفق ترین تلاش ها برای سرکوب اپیدمی کرونا ویروس توسط کره جنوبی، تایوان و سنگاپور اجرا شده است. این کشورها در حالیکه تا حدودی از اپلیکیشن های ردیابی بهره بردند، بیش تر بر تست گیری های وسیع، گزارش دهی صادقانه و تمایل به همکاری دو سویه با عموم مردمی که به خوبی آگاه شده اند تکیه کردند.

نظارت متمرکز و تنبیه های شدید تنها راه مجاب کردن مردم در پذیرش خط مشی های مفید نیست، وقتی که به مردم واقعیت های علمی اطلاع رسانی بشود و مردم به مقامات دولتی اعتماد کنند که حقایق را به آنها منتقل می کنند شهروندان بدون نیاز به نظارت آقا بالا سر کاری را انجام می دهند که درست است. یک جمعیت خود

انگیخته و به خوبی آگاه شده معمولاً بسیار قدرتمند تر و موثرتر از جمعیت ناآگاهی عمل خواهد کرد که مدام پایش شود.

برای مثال در نظر بگیرید در حال شستن دستهایتان با صابون هستید. این یکی از بزرگترین پیشرفت‌ها در تاریخ بهداشت انسانی بوده است. همین عمل ساده هر سال جان میلیون‌ها نفر را نجات می‌دهد. در حالی که ما آن را یک امر بدیهی در نظر می‌گیریم، تنها در قرن نوزدهم بود که دانشمندان به کشف اهمیت شستن دست‌ها با صابون نائل شدند! پیش از این حتی پزشکان و پرستاران در فاصله بین دو عمل جراحی دست‌هایشان را نمی‌شستند. امروزه میلیاردها انسان روزانه دست‌هایشان را می‌شویند نه به این خاطر که از پلیس صابون ترس دارند، بلکه به این خاطر که از شواهد حقیقی آگاه هستند. من دست‌هایم را با صابون می‌شویم به این دلیل که از ویروس‌ها و باکتری‌ها آگاه هستم. من می‌دانم که این ارگانیسم‌های کوچک، بیماری‌زا هستند، و اینکه، صابون می‌تواند آن‌ها را از بین ببرد.

اما برای رسیدن به چین سطحی از پذیرش و همکاری دو جانبه شما به اعتماد نیاز دارید، مردم نیاز به اعتماد به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها دارند. در طول چند سال اخیر سیاستمداران غیر مسئول، تعمداً تیشه به ریشه اعتماد به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها زدند. حال همان سیاستمداران غیر مسئول ممکن است وسوسه شوند تا در شاهراه اقتدارگرایی برانند، در حالی که ادعا می‌کنند که نمی‌توان به مردم اعتماد کرد که کار درست را انجام دهند.

طبیعی است اعتمادی که برای سال‌های متمادی خدشه دار شده است یک شبه بازسازی نمی‌شود اما الان زمان عادی نیست در دوران بحران باورها هم می‌توانند به سرعت تغییر کنند. شما می‌توانید برای سال‌ها دعوی مفصلی با فرزندانان داشته باشید، اما هنگامی که وضعیت اضطراری اتفاق می‌افتد به ناگاه، ذخیره‌ای پنهان از اعتماد و سازش کشف می‌شود، شما خواهید شتافت که به همدیگر یاری رسانید. به جای ایجاد یک رژیم نظارتی، هنوز برای بازسازی اعتماد مردم به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها آنچنان هم دیر نیست. ما حتماً می‌توانیم از تکنولوژی‌های جدید هم استفاده کنیم اما این تکنولوژی‌ها باید در راستای توانمندسازی شهروندان به کار گرفته شوند. من کاملاً موافق این هستم که دمای بدن و فشار خون من مورد ارزیابی قرار گیرد، ولی این داده‌ها نباید برای ایجاد یک حاکمیت مطلق به کار گرفته شود، بلکه این اطلاعات باید من را قادر سازد تا تصمیمات شخصی آگاهانه‌تری را اتخاذ کنم و همچنین حکومت را برای تصمیماتش مسئول، نگه دارد.

اگر من بتوانم وضعیت پزشکی خود را ۲۴ ساعته رصد کنم، نه تنها خواهیم فهمید که آیا به تهدیدی برای سلامت سایرین تبدیل شده ام یا نه، بلکه همچنین خواهیم فهمید کدام عادات من با سلامتی من در ارتباط است. و اگر بتوانم به آمارهای قابل اعتماد شیوع ویروس کرونا دسترسی داشته باشم و آن‌ها را تحلیل کنم آنگاه خواهیم توانست قضاوت کنم که دولت حقیقت را می‌گوید و سیاست‌های صحیحی را برای مبارزه با اپیدمی اتخاذ کرده است یا نه. هرگاه مردم از نظارت صحبت می‌کنند بیاد داشته باشید که همان تکنولوژی نظارتی که معمولاً می‌تواند توسط دولت و سایر ارگان‌ها برای نظارت بر افراد مورد استفاده قرار گیرد، هم چنین می‌تواند به وسیله افراد برای نظارت بر دولت‌ها استفاده شود.

بنابراین همه‌گیری کرونا ویروس یک آزمون بزرگ شهروندی است، در روزهای پیش رو هر کدام از ما، ورای تئوری‌های توطئه بی‌اساس و سیاستمداران منفعت‌طلب، باید انتخاب کنیم که به داده‌های علمی و به متخصصین بهداشت و درمان اعتماد کنیم. اگر در تصمیم‌گیری درست شکست بخوریم ممکن است خودمان را در حال امضای واگذاری آزادی‌های عزیزمان ببیاییم، در حالی که فکر می‌کنیم در حال حفاظت از سلامتمان هستیم.

ما به برنامه جهانی نیاز داریم

دومین تصمیم مهمی که ما با آن روبرو هستیم انتخاب بین انزوای ملی و یکپارچگی جهانی است. هم خود اپیدمی و هم پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از آن هر دو مسئله جهانی هستند. آنها تنها به وسیله همکاری جهانی می‌توانند بصورت کارآمد حل شوند.

اول و مهم‌تر، به جای مقابله با ویروس، ما نیاز به اشتراک اطلاعات به شکل جهانی داریم. این بزرگ‌ترین مزیت گونه انسان نسبت به ویروس‌ها است. یک کرونا ویروس در چین با یک کرونا ویروس در آمریکا در رابطه با چگونگی بیمارسازی در انسان نمی‌تواند اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند ولی چین می‌تواند درس‌های ارزنده‌ای در رابطه با کرونا ویروس به آمریکا بدهد. آنچه یک پزشک در ایتالیا در شروع روز در میلان کشف می‌کند می‌تواند بخوبی جان‌هایی را عصر هنگام در تهران نجات بخشد. وقتی که دولت انگلستان در انتخاب میان سیاست‌های گوناگون به شک افتاده است، می‌تواند از کره‌ای‌هایی که یک ماه پیش با معضل مشابه‌ای درگیر بودند، راهنمایی بگیرند. ولی برای اینکه چنین چیزی تحقق یابد ما نیاز به اعتماد و همکاری جهانی داریم.

کشورها باید خواستار این باشند که آشکارا اطلاعاتشان را در اختیار یکدیگر بگذارند و خاضعانه به دنبال کسب راهکار از همدیگر باشند و همچنین باید بتوانند به این داده‌ها و بینش‌هایی که کسب می‌کنند اعتماد کنند. ما همچنین برای تولید و توزیع تجهیزات پزشکی، به تلاش جهانی نیاز داریم بخصوص برای کیت‌های تست و

ماشینهای تنفسی (Respiratory Machine). بجای اینکه هر کشور به شکل منطقه ای عمل کند و هر تعداد تجهیزاتی که می تواند بدست آورد را انباشت کند، یک تلاش هماهنگ جهانی می تواند بصورت چشمگیری تولید تجهیزات را افزایش دهد و مطمئن شود که تجهیزات نجات بخش بصورت عادلانه تری توزیع می شود. همان طور که کشورها در دوره جنگ صنایع کلیدی را ملی می سازند، جنگ انسان بر علیه کرونا ویروس ممکن است ما را به سمت "بشری کردن" "Humanize" خط های ضروری تولید سوق دهد. یک کشور غنی با موارد ابتلاء پائین باید راغب باشد که تجهیزات با ارزش را به کشوری فقیرتر با موارد ابتلاء بالا ارسال کند، و اعتماد داشته باشد اگر و هنگامی که آن کشور متعاقباً به کمک نیاز دارد سایر کشورها به یاریش خواهند آمد.

ما ممکن است برای ایجاد ائتلافی از پرسنل پزشکی، به تلاش جهانی مشابهی نیاز داشته باشیم. کشورهایی که فعلاً کمتر گرفتار هستند می توانند کادر پزشکی خود را به مناطقی که بیشتر درگیر هستند اعزام کنند تا در زمان نیاز به آنها کمک کنند و همچنین به این منظور که تجارب با ارزش را بدست آورند. اگر در آینده اپیدمی، تغییر جهت دهد کمک ها می توانند همگام با تغییر مسیر اپیدمی از کشور های کمتر درگیر به کشورهایی که درگیری بیش تری دارند تغییر جهت دهد.

در حوزه اقتصادی نیز نیاز به همکاری جهانی، حیاتی است. نظر به ماهیت جهانی اقتصاد و زنجیره های منابع، اگر هر دولتی تنها به مسائل خود بدون در نظر گرفتن سایرین بپردازد، نتیجه آشفتگی محض، و بحرانهای عمیق تر خواهد بود. ما به برنامه جهانی برای عمل نیاز داریم و ما سریعاً، به آن نیاز داریم.

نیاز دیگر رسیدن به توافق جهانی بر سر مسئله مسافرت است. لغو تمامی سفر های بین المللی برای ماه ها، محرومیت های زیادی را در پی خواهد داشت و در روند جنگ علیه کرونا ویروس ممانعت ایجاد خواهد کرد. کشور ها به منظور فراهم آوردن شرایطی که حداقلی از مسافران ضروری نظیر دانشمندان، پزشکان، خبرنگاران، سیاستمداران و بازرگانان به صورت قطره چکانی سفرهای بین المللیشان ادامه دهند، به همکاری جمعی نیاز دارند. این امر امکان پذیر است در صورتی که به یک توافق جمعی برسیم که در آن غربالگری اولیه مسافران در کشور مبداء صورت گیرد. اگر شما بدانید که تنها مسافرانی که به دقت غربال شده اند اجازه ورود به هواپیما را یافته اند شما بیش تر راغب خواهید بود که آن ها را در کشور خود بپذیرید.

متأسفانه در حال حاضر کشورها بندرت هیچ کدام از این موارد را انجام می دهند. یک رخوت عمومی گریبان جامعه جهانی را گرفته است. بنظر می رسد که هیچ آدم بالغی در جمع رهبران جهانی حضور ندارد. هفته ها پیش انتظار یک گردهمایی اضطراری از رهبران جهانی می رفت که در طی آن به یک برنامه عملیاتی مشترک دست

یافته باشند. تنها در طول این هفته یک ویدیو کنفرانس توسط رهبران جی ۷ ترتیب داده شد که نتیجه آن هم به چنین برنامه ای منجر نشد.

در بحران های جهانی پیشین، همانند بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و اپیدمی ابولا در ۲۰۱۴، ایالات متحده آمریکا در نقش رهبر جهانی در نظر گرفته شد. اما حکومت فعلی آمریکا وظیفه رهبری را واگذار کرده است. او خیلی واضح و روشن بیان کرده که به شکوه آمریکا، بسیار فراتر از آینده گونه انسان اهمیت می دهد

این حکومت حتی نزدیک ترین هم پیمانان خود را رها کرده است. هنگامی که آمریکا تمام پروازها از اتحادیه اروپا را لغو می کرد حتی به خود زحمت نداد که از پیش، هشدار می به اتحادیه اروپا بفرستد، چه برسد به اینکه در مورد این اقدام تند و تیز، با اتحادیه اروپا مشورت بکند. حکومت فعلی آمریکا با پیشنهاد چیزی در حدود یک بیلیون دلار به یک شرکت داروسازی آلمانی به منظور خرید حق انحصار تولید واکسن کوید-۱۹، آلمان را شگفت زده کرد. حتی اگر حکومت فعلی نهایتاً خط مشی خود را تغییر دهد و به یک رویه جدید جهانی روی آورد، تعداد کمی از رهبری پیروی می کنند که، هرگز مسئولیتی نمی پذیرد، هرگز به اشتباهاتش اعتراف نمی کند و کسی که مکرراً اعتبار همه چیز را به خود نسبت می دهد در حالی که همه ی سرزنش ها را به دیگران.

اگر بپذیریم جای خالی مانده ی آمریکا، توسط سایر کشور ها پر نشده است، این موضوع نه تنها متوقف کردن اپیدمی حاضر را بسیار سخت تر می کند، بلکه میراث آن همچنان طی سال های پیش رو به مسموم کردن روابط بین الملل، ادامه خواهد داد. با این حال هر بحرانی، همچنین، یک فرصت است. ما باید امیدوار باشیم که اپیدمی کنونی، در درک خطر حاد چندپارگی جهانی، به گونه انسان، کمک کند.

گونه انسان محکوم به انتخاب است. آیا ما تا بُن ریشه های چندپارگی خواهیم رفت یا مسیر به سمت یکپارچگی جهانی را انتخاب خواهیم کرد؟ اگر ما چندپارگی را انتخاب کنیم تنها منجر به طولانی تر شدن بحران کنونی نخواهد شد، بلکه به فجایعی بسیار بدتر در آینده خواهد انجامید. اگر یکپارچگی جهانی را انتخاب کنیم نه تنها پیروزی ای در برابر کرونا ویروس خواهد بود، بلکه پیروزی است در برابر تمامی اپیدمی های آینده و بحران هایی که ممکن است بر گونه انسان در قرن ۲۱ بتازد.

منبع:

